

ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش و فروپاشی دستگاه سرکوب رژیم شاه

ابراهیم صالح‌آبادی*

(تاریخ دریافت: 92/11/9، تاریخ پذیرش: 93/12/26)

چکیده

انقلاب اسلامی ایران در سال 1357ش در شرایطی به پیروزی رسید که در کشور حکومت چندگانه ایجاد شده بود و گروه‌های مختلفی می‌توانستند حکومت جامعه را به دست گیرند. ارتش شاهنشاهی یکی از گروه‌هایی بود که فرصت تسلط بر اوضاع متشنج آن زمان را داشت؛ ولی آنچه رخ داد، اعلان بی‌طرفی آن در کشمکش‌های انقلابی بود. یکی از عوامل شکست ارتش پهلوی، ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش بود که در چگونگی مقابله و مبارزه آن‌ها با انقلابیون نمودار شد. به نظر نویسنده، چینش و ترکیب سیاست سرکوب و سازش در مواجهه با انقلابیون زمینه فروپاشی دستگاه سرکوب را فراهم کرد. ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش از یک سو موجب شد زندانیان سیاسی آزاد شوند؛ در نتیجه چنین روشی رژیم نتوانست در مرحله بعدی انقلابیون را دست‌گیر کند؛ از سوی دیگر سازش‌های دولت‌های اخیر شاه (شریف‌امامی و بختیار) به بازداشت نیروهای سرکوبگر و حتی انحلال ساواک (3 بهمن 1357) منجر

شد که در نهایت، موجب اختلاف در صفوف فرمان‌دهان ارتش برای کنترل و سرکوب انقلابیون و به هم خوردن تعادل نیروها به نفع انقلابیون شد.

واژه‌های کلیدی: ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش، اعلان بی‌طرفی ارتش، ضعف دستگاه سرکوب، انقلاب ایران.

1. طرح مسئله

برای تبیین هر انقلابی نظریه‌های گوناگونی بیان شده است. یکی از نظریه‌هایی که کمتر مورد توجه نظریه‌پردازان قرار گرفته، رویکردی است که به ضعف دستگاه سرکوب تأکید می‌کند. براساس این نظریه، انقلاب‌ها پیروز نمی‌شوند مگر اینکه دستگاه سرکوب به‌عللی ناتوان شود (Mirfakhraei, 1984). رژیم شاه با داشتن دستگاه سرکوب نسبتاً قوی در بهمن 1357 سقوط کرد. اکنون مسئله اساسی این است که چرا ارتش و دستگاه سرکوب از نیروی خود برای سرکوب مخالفان در انقلاب اسلامی استفاده نکرد. در پاسخ به این سؤال، نظریه‌پردازان (جانسون، تیلی، زیمرمن، گار و کارلی) معتقدند شکست یا ناتوانی ارتش و دستگاه سرکوب در سرکوب مخالفان، اساساً مسئله اجتماعی-سیاسی است، نه امری نظامی و عوامل گوناگونی دستگاه سرکوب را ناتوان می‌کند که عبارت‌اند از: ساختار درونی ارتش (سینایی، 1384: 557؛ حاضری و صالح‌آبادی، 1383: 12)، وضعیت و ماهیت مخالفان و انقلابیون (صالح‌آبادی، 1390)، فضای باز سیاسی، نارضایتی در ارتش و ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش (حاضری و صالح‌آبادی، 1383: 12).

از آنجا که بررسی همه عوامل مؤثر در ناتوانی و ضعف دستگاه سرکوب در این مقاله امکان‌پذیر نیست، تلاش کردیم تا اهمیت شرایط بین‌المللی را در ناتوانی دستگاه سرکوب نشان دهیم. به نظر ما، شرایط بین‌المللی از دو طریق (مکانیسم) در ناتوانی و ضعف دستگاه سرکوب اثر می‌گذارد: 1. ناشی از وابستگی ارتش به ابرقدرت‌های جهانی که خود را در چگونگی مقابله نظامیان با انقلابیون نشان می‌دهد (این عامل را حاضری و صالح‌آبادی بررسی کرده‌اند)؛ 2. سیاست‌های ناهماهنگ سرکوب و سازش دولت که در مواجهه با انقلابیون، اثر تخریب‌کننده بر دستگاه سرکوب دارد.

2. مباحث نظری و پیشینه تحقیق

عوامل گوناگونی در تحقق و پیروزی انقلاب‌ها مؤثرند. این عوامل ممکن است در تمام مراحل انقلاب اثرگذار باشند یا نباشند؛ آنچه اهمیت دارد، بررسی آثار یک عامل در تمام فرایند انقلاب است. با عنایت به چنین امری می‌توان مدعی شد که فرایند انقلاب فقط به یک علت ختم نمی‌شود؛ بلکه علل گوناگون در مراحل مختلف انقلاب آثار متفاوتی دارند. گلدستون معتقد است تجزیه و تحلیل انقلاب به شناخت مجموعه‌ای از علل ویژه بستگی ندارد؛ زیرا علتی هم وجود ندارد؛ بلکه تبیین انقلاب موقوف به درک فرایند انقلاب و پی‌گیری روند آن در موارد مختلف است (سلین، 1382: 179). بنابراین، بررسی و مطالعه انقلاب با تجزیه و شکستن آن به اجزا و مراحل مختلف مفیدتر به نظر می‌رسد. تیلی می‌گوید باید انقلاب را به اجزای مختلف تقسیم کنیم؛ اجزایی که با هم به‌طور نظری هم‌بسته باشند و پس از آن، نظریه‌های جداگانه‌ای را که تعیین‌کننده اجزای خاص آن هستند، می‌توانیم - حتی - در هر مرحله با یکدیگر ترکیب کنیم (همان، 180). بنابراین، بررسی آثار یک عامل در انقلاب به معنای اثرگذاری در تمام مراحل انقلاب نیست، مگر اینکه نتایج چنین عاملی در فرایندهای مختلف انقلاب نشان داده شود.

بیشتر نظریه‌پردازان انقلاب تأثیر شرایط بین‌المللی بر انقلاب‌ها را مورد مذاقه قرار داده‌اند (فوران، 1378، 1378 و 1385؛ اسکاچپول، 1376 و 1379؛ جانسون، 1363؛ گلدستون، 1385؛ بریتون، 1370). این مطالعات بیشتر بر تأثیر فضای باز سیاسی (نقش رؤسای جمهوری آمریکا)، نظام جهانی (نظام اقتصادی جهانی و سرمایه‌داری) و شرایط بین‌المللی (نظام بین دولت‌ها) بر فرایند و شکل‌گیری بحران، نارضایتی، شرایط بسیج سیاسی، اتحاد انقلابیون و گسترش شورش انقلابی تأکید می‌کنند. تحقیقات و نظریه‌هایی که ضعف دستگاه سرکوب و رابطه آن را با ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش (نه فضای باز سیاسی و حقوق بشر) بررسی کرده‌اند، اندک است. اندک بودن چنین بررسی‌هایی در مورد انقلاب ایران بیشتر از انقلاب‌های دیگر است.¹

چالمرز جانسون (1363: 104) در تبیین انقلاب به دستگاه سرکوب توجه و آن را در عوامل شتاب‌زا مطرح کرده است. از نظر وی، این عوامل باعث ضعف دستگاه سرکوب می‌شوند:

1. رفتارهای دوستانه اعضای ارتش با مردم؛ 2. شرایط نامطلوب خدمتی یا درگیری فرمان‌دهان؛ 3. مجادله فرمان‌دهان در نحوه مواجهه با عدم تعادل؛ 4. عدم قاطعیت نخبگان حکومتی؛ 5. شکست در جنگ (همان، 124). عوامل سوم و چهارم در تعریف ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش قرار می‌گیرند.

یکی از نظریه‌های انقلاب که به ویژگی‌های دستگاه سرکوب در پدیده انقلاب می‌پردازد، نظریه مدل سیاسی و بسیج منابع چارلز تیلی است. مدل انتزاعی تیلی توضیح می‌دهد که افراد، گروه‌ها و سایر مدعیان حکومت چگونه برای تصاحب قدرت با یکدیگر رقابت می‌کنند (تیلی تعاملات درون این مدل را توضیح می‌دهد). چنانچه جامعه سیاسی واحدی حاکم شود و کنترل را به دست بگیرد، حالت تعادل پیش می‌آید؛ ولی وقتی مدعیان با جامعه سیاسی مخالفت کنند، حکومت چندانکه پیش می‌آید که در این حالت وضعیت انقلابی ایجاد می‌شود. وضعیت انقلابی سه علت قریب دارد که تیلی آن‌ها را مطرح می‌کند: 1. ظهور رقابتی که دعوی بدیل مانع‌الجمعی در مورد کنترل بر حکومت دارند؛ 2. تعهد تعداد زیادی از مردم به این دعوی؛ 3. توانایی یا بی‌میلی حکومت به سرکوب ائتلاف بدیل یا تعهد به دعوی آن (مشیرزاده، 1375: 146).

در مورد ایران نیز مطالعاتی که بر ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش تأکید می‌کنند، اندک است.² این پژوهش‌ها به سه دسته تقسیم می‌شوند:

1. مطالعاتی که اساساً تأثیر این عامل را نادیده می‌گیرند یا آن را در بحث کلی انقلاب مطرح می‌کنند (سینایی، 1384؛ لطفیان، 1380).

2. مطالعاتی که مدعی‌اند این شرایط موجب تضعیف دستگاه سرکوب شد (رفیع‌پور، 1376؛ Rasler, 1996).

3. مطالعاتی که این نوع برخورد را (سیاست هویج و چماق و در اصطلاح ما سرکوب و سازش) راه‌بردی مؤثر در کنترل و حفظ نظم می‌دانند (Kurzman, 1996).

بنابراین در مورد انقلاب ایران می‌توان ادعا کرد تأثیر این عامل در تقویت/تضعیف دستگاه سرکوب در تحقیقات گوناگون دارای نتایجی متناقض است که در این مقاله می‌کوشیم آن را حل کنیم.

1. راسلر در مقاله «سازش‌ها و سرکوب و اعتراض سیاسی در انقلاب ایران» روابط بین سازش‌ها و سرکوب‌ها و اعتراض سیاسی را در انقلاب اسلامی ایران بررسی کرد. وی 1300 واقعه تاریخی را که در فرایند انقلاب اسلامی رخ دادند (زقبیل: سازش‌ها، سرکوب‌ها، اعتصابات و...) و متعلق به 58

ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش و ... _____ ابراهیم صالح آبادی

هفته قبل از انقلاب بودند، مورد تحلیل رگرسیون پواسون قرار داد. وی در تحقیق خود این نتایج را به صورت آماری نشان داده است: 1. ناسازگاری‌های دولت موجب افزایش کارهای خشونت‌آمیز می‌شود. 2. سازش‌های دولت موجب افزایش اعمال خشونت‌آمیز می‌شود. 3. سرکوب تظاهرات در یک هفته قبل از تظاهرات اقدامات خشونت‌آمیز را کاهش می‌دهد. 4. سرکوب تظاهرات شش هفته قبل اعمال خشونت‌آمیز را افزایش می‌دهد (Rasler, 1996).

2. رفیع‌پور در کتاب توسعه و تضاد می‌گوید ضعف دستگاه سرکوب در انقلاب اسلامی یکی از شرایط پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. وی در مورد ایران می‌نویسد:

اگرچه نویسنده در زمان انقلاب هرگز راغب به پذیرفتن این نکته نبود که ارتش می‌توانست جلوی انقلاب را بگیرد، با مطالعه نظریات دانشمندان مختلف مانند تیلی و زیمرمان و [...] و بررسی مجدد، این فرضیه نامعقول به نظر نمی‌رسد که اگر نیروهای نظامی در مراحل انقلاب بدون در نظر گرفتن فشار بین‌المللی و ملاحظات انسانی با شدت بسیار زیاد [...] وارد عمل می‌شدند، احتمال انقلاب کاهش می‌یافت (رفیع‌پور، 1376: 30).

وی بیشتر بر نظریه راسلر دربارهٔ فعالیت‌های ناهماهنگ شاه برای سرکوب و سازش تأکید می‌کند.

3. چارلز کورزمن³ در مقاله «فرصت‌های ساختاری و فرصت‌های به‌دست‌آمده در نظریه‌های جنبش اجتماعی انقلاب ایران 1979» اصولاً این نظریه را به‌شدت رد می‌کند و معتقد است چنین سیاستی (سیاست هویج و چماق) برای رژیم شاه مفید بوده است. وی می‌نویسد: «رژیم شاه با اعمال چنین استراتژی یک پیغام برای مخالفان خود فرستاد که اگر مخالفت را ادامه دهید، کشته می‌شوید و اگر به آن خاتمه دهید، اصلاحات و امتیازاتی به‌دست خواهید آورد» (Kurzman, 1996).

با عنایت به آنچه بیان کردیم، می‌توان به فرضیه‌های رقیبی دست یافت که مورد آزمون باشند. در ادامه مقاله، دو فرضیه رقیب: نظریه راسلر و رفیع‌پور از یک سو و نظریه کورزمن از سوی دیگر را می‌آزماییم. نوآوری این بحث در مقایسه با بررسی راسلر (که از دیگر مطالعات دقیق‌تر است) در چگونگی بررسی مکانیسم‌های اثرگذاری و تحلیل روایی⁴ بحث است که می‌کوشد تا نقل و انتقالات اثرگذاری را پی‌گیری کند.

فرضیه ما در این تحقیق عبارت است از: ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش موجب شد دستگاه سرکوب نتواند مخالفان را سرکوب کند.

3. روش تحقیق

روش تحقیق حاضر تاریخی و اسنادی است که به شیوه نمونه‌پژوهی (case study) انجام شده است. واحد تحلیل دستگاه سرکوب در طول زمان مورد نظر تحقیق (19 دی 1356 تا 22 بهمن 1357) است. در این مقاله، بیشتر از نقل تاریخی - تبیین روایی - برای تأیید تحلیل علی استفاده کرده‌ایم. یکی از اهداف نقل تاریخی این است که رشته حوادث را از علت به معلول وصل کند. پاره‌ای از این پیوندها گاه بی‌قانون‌اند، مانند تصمیم ناگهانی فردی بانفوذ و گاه محکوم نظم‌های اجتماعی (لیتل، 1373: 42).

در تبیین‌های روایی واقعه e که باید توضیح داده شود، به‌عنوان مرحله نهایی در توالی وقایعی که منجر به آن شده‌اند، عرضه می‌شود. بنابراین، در تبیین‌های روایی e از طریق توصیف مراحل متوالی توضیح داده می‌شود که سبب شده‌اند e سرانجام e شود. در تبیین‌های روایی، «مراحل فقط برحسب زمان و به ترتیب زمانی مرتب نمی‌شوند؛ بلکه در این نوع تبیین‌ها باید نشان داده شود که هر مرحله به مرحله بعدی می‌انجامد و درنهایت، این مراحل به آن واقعه مورد نظر منجر می‌شود» (فی، 1381: 296).

با تکیه بر چنین روشی، نه با تحلیل آماری (روش راسلر) در پی آنیم تا بین «ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش» و «ضعف دستگاه سرکوب» رابطه علی برقرار کنیم. برای علت‌یابی ضعف دستگاه سرکوب در اینجا دو کار انجام می‌دهیم: 1. نقل تاریخی یا روایت تاریخی؛ 2. بیان فرضیاتی عام درباب تأثیر و تأثرهای اجتماعی؛ به عبارت دیگر برای تعیین مکانیسم‌های علی از رویکرد قیاسی استفاده می‌کنیم.

4. تعریف مفاهیم

1-4. دستگاه سرکوب

در تعریف این مفهوم نخست باید توضیح دهیم که ارتش هنگامی بخشی از دستگاه سرکوب محسوب می‌شود که درمقابل تهدیدهای داخلی قرار گیرد و برای حفظ نظم داخلی اقداماتی انجام دهد. مفهوم دستگاه سرکوب در مواردی که ارتش در برابر تهدیدهای خارجی قرار دارد، به‌کار نمی‌رود. این مطلب درمورد ساواک نیز صادق است. بنابراین، دستگاه سرکوب را این‌گونه تعریف می‌کنیم: مجموعه‌ای از مؤسسات اطلاعاتی، امنیتی و نظامی است که وظیفه آن

ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش و ... _____ ابراهیم صالح آبادی
استقرار نظم و مقابله با تهدیدهای داخلی کشور است و هریک از اجزای این دستگاه دارای
عملکردی خاص⁵ و وظایف مشخص و تحدیدشده است.

4-2. ضعف دستگاه سرکوب

با توجه به تعریف دستگاه سرکوب، ضعف این دستگاه را در موارد زیر به کار می‌بریم:

1. اعلان بی‌طرفی ارتش: این مفهوم هنگامی برای مفهوم ضعف به کار می‌رود که انقلابیون تلاش کنند تا ارتش را در هنگام درگیری بی‌طرف و خنثی نشان دهند.
2. اختلاف در صفوف فرماندهی ارتش: این متغیر بر آشفتگی‌های فرماندهی ارتش در نحوه مقابله با انقلابیون دلالت دارد.
3. به هم خوردن تعادل و توازن نیروها به نفع گروه انقلابیون و در نتیجه، تقویت انقلابیون و تضعیف دستگاه سرکوب.
4. استفاده نکردن از راهبردهای سرکوب مانند دست‌گیری، کشتار و ...
5. فرمان تیراندازی صادر نکردن و دعوت به خویشتن‌داری درمقابل انقلابیون.

4-3. ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش

این متغیر بر سیاست‌های رژیم شاه و ترکیب این سیاست‌ها در رویارویی با مخالفان دلالت دارد. متغیر نام‌برده با این فرض اساسی همراه است که چپ‌نشین دو سیاست سرکوب و سازش در کنار یکدیگر، اثری متمایز از تأثیر هرکدام بر متغیر مورد نظر دارد. سازش‌های بی‌موقع رژیم در زمان سرکوب و عکس آن در اینجا اهمیت اساسی دارد. بر این اساس، ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش، متضمن به‌کارگیری نابجای این دو سیاست در زمان و مکان خاص است و به ارائه بی‌محل و بی‌زمان سیاست «هویج و چماق» اشاره می‌کند.

5. یافته‌های تحقیق

قبل از بحث درباره تأثیر این متغیر در ضعف دستگاه سرکوب ضرورت دارد درمورد سیاست‌های رژیم شاه در بازه زمانی این پژوهش (19 دی 1356 تا 22 بهمن 1357)، از نظر به‌کارگیری این دو سیاست مطالبی را بیان کنیم.

5-1. دولت آموزگار

شاه در 16 مرداد 1356 با برکناری هویدا و انتصاب آموزگار، به اصلاحات مهمی دست زد. دولت آموزگار با یک دوره از سرکوب شدید و سازش‌های اندک همراه بود. این اصلاحات عبارت‌اند از: کشتار مردم قم در 19 دی 1356، کشتار مردم تبریز در 29 بهمن 1356، آزادی زندانیان سیاسی (348 نفر) در 22 اسفند 1356، کشتار مردم یزد در 9 فروردین 1357، کشتار در قم و تهران در 20 اردیبهشت 1357، کشتار مردم مشهد در 31 تیر 1357 و آتش‌سوزی سینما رکس آبادان در 28 مرداد 1357.

رژیم شاه از اواخر اردیبهشت 1357 فعالیت‌هایی را برای ارباب و رضایت انقلابیون انجام داد؛ از جمله:

نخست کوشید رهبران مخالفان غیرمذهبی را به‌طور فیزیکی مرعوب سازد. ساواک با تشکیل یک کمیته مخفی انتقام، نامه‌های تهدیدآمیزی به حقوق‌دانان و نویسندگان فعال در جنبش حقوق بشر نوشت؛ هما ناطق و یکی دیگر از اعضای کانون نویسندگان را ربود و سخت مضروب ساخت. در دفتر کار سنجابی، بازرگان، متین دفتری، نزیه، فروهر، لاهیجی و مقدم مراغه‌ای بمب‌گذاری کرد. دوم آنکه، رژیم سیاست‌هایی را که خشم بازاریان و روحانیون معتدل را برانگیخته بود، کنار گذاشت، مبارزه ضدتورمی با کسبه و اصناف خرده‌پا را متوقف کرد و «گروه‌های بازرسی» بدنام را منحل ساخت [...] به‌طور علنی از [آیت‌الله] شریعتمداری به‌دلیل حمله به خانه او پوزش خواست، فیلم‌های مستهجن را ممنوع کرد، قول داد مدرسه فیضیه را باز کند و اجازه داد 184 روزنامه‌نگار نامه سرگشاده‌ای در انتقاد از رسانه‌های تحت نظارت دولت به‌علت نسبت دادن تظاهرات آرام مذهبی به مشتی اراذل و اوپاش که توسط آشوبگران خارجی و ابلهان مارکسیست‌های اسلامی رهبری می‌شود منتشر کنند [...] به‌جای ارتشبد نصیری، رئیس بدنام ساواک در دوازده سال گذشته، سپهد مقدم از افسران خوش‌نام را که خانواده آذری‌تبارش بستگی نزدیکی با آیت‌الله شریعتمداری داشت، منصوب کرد (آبراهامیان، 1378: 469-470).

5-2. دولت شریف امامی

رژیم شاه بعد از یک دوره آشفتگی ایجادشده از اصلاحات و عواقب آن، درصدد ایجاد دولت آشتی ملی به نخست‌وزیری شریف امامی برآمد.

ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش و ... _____ ابراهیم صالح آبادی

شریف امامی گام‌های فوری و زیادی برای چنین دولتی برداشت: وی تقویم شاهنشاهی را لغو کرد؛ بسیاری از روحانیون بزرگی را که از سال 1354 در زندان بودند، آزاد ساخت؛ کمک‌های دولتی به حزب رستاخیز را قطع کرد؛ پنجاه‌وهفت قمارخانه متعلق به بنیاد پهلوی را تعطیل کرد؛ از اعضای بدنام خاندان سلطنتی خواست که برای تعطیلات درازمدت به خارج بروند؛ ضمن لغو پست وزارت امور زنان، وزارت امور مذهبی را جای‌گزین آن ساخت. علاوه‌بر آن، شریف امامی مبارزهٔ پرسروصدایی با افراد منسوب به بهائیت آغاز کرد. هویدا از وزارت دربار عزل شد (همان، 475).

شریف امامی در تدارک عید فطر با سنجابی، بازرگان، فروهر و دیگر رهبران مخالفان به توافقی دست یافت. وی تظاهرات عید فطر را آزاد اعلام کرد و قول داد نظامیان را در خیابان‌ها فرعی مستقر کند.

دولت شریف امامی در کنار چنین سازش‌هایی، سرکوب شدید جمعهٔ خونین 17 شهریور 1357 را در میدان ژاله به‌نمایش گذاشت. در پی چنین بحرانی، شاه به کشتارهای دیگری پرداخت و حکومت نظامی را به سایر شهرها تسری داد و ارتش را در دفاتر روزنامه‌های مهم مستقر ساخت و رهبران جبههٔ ملی را بازداشت کرد (همان‌جا).

3-5. دولت ازهاری

محمدرضاشاه پهلوی پس از ناآرامی‌های خیابانی اواسط آبان، غلامرضا ازهاری، فرمان‌ده گارد سلطنتی، را جانشین شریف امامی کرد و شش وزارت‌خانه را به افسران ارشد سپرد. از سوی دیگر، شاه به مخالفان شاخهٔ زیتونی نشان داد.

همچنین، وی 1126 زندانی سیاسی از جمله آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله منتظری و هشت نفر از اعضای حزب توده را آزاد کرد؛ به سانسور مطبوعات پایان داد و نظامیان را از دفاتر روزنامه‌ها برداشت؛ 132 تن از دولت‌مردان سابق شامل هویدا و نصیری را دست‌گیر کرد و بسیاری از استان‌داران را برکنار نمود؛ حزب رستاخیز را منحل کرد؛ شهبانو را به زیارت کربلا فرستاد؛ اظهار کرد که تبعیدشدگان از جمله [آیت‌الله] خمینی می‌توانند به ایران بازگردند (همان، 479-480).

هم‌زمان با چنین فعالیت‌های مبهمی، اعتصابات و تظاهرات در سراسر ایران افزایش یافت و به‌موازات چنین اعمالی، سرکوب‌های پراکنده و منسجم در اطراف شهرهای ایران به‌چشم

می‌خورد و خشونت‌های ماه محرم به اوج خود رسیده بود. کشتار مردم قزوین و مشهد در دوره حکومت نظامی از هاری اتفاق افتاد که حاکی از سرکوب شدید بود. رژیم از ترس اینکه در ایام تاسوعا و عاشورا حوادث وخیم‌تری رخ دهد، عقب نشست و کوشید به توافقی مشابه توافق شب عید فطر دست یابد، سنجابی، فروهر و 470 زندانی سیاسی را آزاد کرد، اجازه داد دسته‌های عزاداری در تمام شهرها به راه افتد و موافقت کرد که ارتش و شهربانی را دور از خیابان‌های اصلی مستقر کند (همان، 482).

4-5. دولت بختیار

بختیار در 10 دی 1357 به نخست‌وزیری رسید. وی که در کشاکش گفت‌وگوهایی بین شاه و انقلابیون انتخاب شده بود، برای مقابله با بحران سازش‌هایی را مطرح کرد که عبارت‌اند از: لغو حکومت نظامی، برگزاری انتخابات آزاد، اعلام کنارگیری ایران از ستو، توقف خرید تسلیحات، دست‌گیری و زندانی کردن مقامات و وزراء، آزادی زندانیان سیاسی، اعلام انحلال ساواک و تقدیم لایحه انحلال ساواک (در 3 بهمن 1357)، احضار نصیری به دادسرا، اعلام پرداخت غرامت به زندانیان سیاسی و خانواده شهدا، احضار داریوش همایون وزیر پیشین اطلاعات به دادسرا، آزاد کردن مسعود رجوی، اعلام باز شدن فرودگاه برای ورود امام (موحد، 1363). در دوره حکومت بختیار، در عین حال فعالیت‌هایی نیز برای سرکوب انجام شد که این سرکوب‌ها شدت و ضعف داشت.

چهار دولت اخیر در دوره حکومت پهلوی ترکیبی از سازش و سرکوب را به‌کار بردند. این ترکیب در دوره آموزگار بیشتر سرکوب‌گرایانه بوده است تا سازش‌کارانه و دولت‌های بعدی ترکیب‌های متعادل و بیشتر سازش‌کارانه داشته‌اند تا سرکوب‌گرایانه. این سخن به این معنا نیست که سه دولت اخیر سرکوب کمتری داشته‌اند؛ بلکه حاکی از آن است که سه دولت اخیر در مقایسه با دولت آموزگار سازش بیشتری نشان داده‌اند. دولت از هاری بیشتر از دولت شریف امامی و بختیار سرکوب‌گرایانه بوده است.

6. آزمون فرضیه‌ها

درباره ضعف دستگاه سرکوب، ادعاهای فرضیه مقاله به این شرح است:

ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش و ... _____ ابراهیم صالح آبادی

1. ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش به ایجاد عدم تعادل قدرت در بین مخالفان و دستگاه سرکوب منجر شد که در نهایت، موجب ترغیب و تقویت مخالفان شد. به عبارت دیگر، این حوادث اعتراضات (اعتصابات، تظاهرات اعلامیه‌ها و...) را افزایش داد و موازنه قدرت را به سود مخالفان رژیم تغییر داد. بدین ترتیب، به‌طور غیرمستقیم دستگاه سرکوب را ضعیف کرد.

2. این سیاست‌ها بین فرمان‌دهان و مسئولان در نحوه رویارویی با انقلابیون اختلاف ایجاد کرد. به‌تصویر کشیدن این روابط در تاریخ انقلاب اسلامی و آزمون آن از سوی مورخان و جامعه‌شناسان نشان می‌دهد این سازش‌ها و ناهماهنگی‌ها چگونه مخالفان را به مخالفت بیشتر ترغیب کرده است. راسلر به نقل از پارسا در این مورد گزارش می‌دهد:

روزهای کمی بعد از انتصاب شریف امامی و اعلام سازش‌ها، ما با یک سرکوب ضعیف روبه‌رو هستیم و در این زمان، کارگران صنعتی شروع به اعتصابات توده‌ای کردند و عقب‌نشینی دولت از سیاست سرکوب، فرصتی را برای کارگران و کارمندان یقه‌سفید ایجاد کرد که منجر به بسیج و عمل دسته‌جمعی گردید. کارگران که قبلاً در اعتصابات دست‌گیر یا حکم دست‌گیری و زندانی داشتند، از طریق شبکه‌های غیررسمی محل کار، دست به تشکیل کمیته‌ها و کانون‌های امنیتی زدند و با عمل جمعی کارگران سازمان‌یافته هماهنگ شدند. با برچیده شدن سانسور در تلویزیون و رادیو، اعتصابات و تقاضاهای اعتصابیون افزایش یافت [...] با افزایش تعداد اعتصابات، رژیم سازش‌های اقتصادی را به‌جای سرکوب انتخاب کرد؛ هرچند که اعتصابیون خواهان سازش‌های سیاسی بودند. آن‌ها خواهان آزادی غیرمشروط زندانیان سیاسی، لغو حکومت نظامی، آزادی بیان و انحلال ساواک بودند (Rasler, 1996: 145-146).

جان دی. استمپل، وابسته سیاسی سفارت آمریکا و نگارنده کتاب *درون انقلاب ایران*، در گزارش‌هایی درباره تأثیر این سیاست در مخالفان می‌نویسد:

بازداشت 33 نفر از مقامات ارشد ساواک، تضعیف ساواک و شکست شریف امامی در متوقف کردن اعتصابات، بحران سیاسی را به‌نحو بسیار زیادی افزایش داد. با ازبین رفتن حزب رستاخیز، طرف‌داران شاه به‌خوبی دریافتند که چه مبارزه عظیمی رودروی نخبگان دولتی وجود دارد. سنگینی کفه ترازوی نظام هرگز به پای طرف مخالف که پیوسته نیز در حال رشد و تزايد بود، نمی‌رسید. اوضاع سیاسی کشور در اوایل ماه نوامبر به متنه‌ای درجه رسید. طی شش هفته قبل، شاه به‌طور پیوسته زندانیان سیاسی را آزاد کرده بود. بسیاری از زندانیان پیشین سازمان‌دهندگان حزب توده بودند که به‌محض آزاد شدن از زندان به سازمان‌های مخالفان

پیوستند. یکی از نتایج آزاد کردن زندانیان، تأمین کردن نیروی تازه برای تکمیل اعتصابات «سیاسی» کارگری بود (استمپل، 1377: 80-85).

وی به پیامدهای این سیاست در اصفهان اشاره می‌کند: «درحالی که در اصفهان حکومت نظامی برقرار بود، شریف امامی با اعطای آزادی بیان و مطبوعات، زمینه را برای دگرگونی‌هایی فراهم کرد» (همان‌جا).

بنابراین سازش‌های شریف امامی برای مقابله با بحران چندان مفید واقع نشد؛ به این معنا که مخالفان بعد از واکنش رژیم (سازش‌های شریف امامی) اعتراضات خویش را افزایش دادند و موجب شدند رژیم برای مقابله با بحران، اقدامات سرکوب‌گرانه مضاعفی انجام دهد. سازش بر سطح اعتراض‌ها افزود؛ بنابراین برای سرکوب اعتراضات افزایش‌یافته نیاز به سرکوب بیشتری احساس می‌شد. راسلر (1996: 144) در تحقیق خویش اثر این سرکوب را در دو مقطع کوتاه‌مدت و بلندمدت نشان داده است. وی به صورت آماری اثبات کرده است که سرکوب در هفته جاری باعث کاهش اعتراضات در هفته بعد شده؛ ولی در بلندمدت باعث افزایش آن شده است. البته، مکانیسم‌های چنین آثاری متعلق به حوزه سازش‌ها نبوده است؛ بلکه این‌گونه آثار نتیجه مکانیسم‌های فرهنگ عزاداری است که در جای دیگری باید به آن پرداخت.

سازش‌ها زمینه مناسبی برای انتقال این فرایند هستند. هرگاه رژیم مخالفان را سرکوب می‌کرد، ابتدا مخالفان سطح فعالیت خودشان را کاهش می‌دادند؛ ولی در بلندمدت بر آن می‌افزودند. استمپل به چنین رابطه‌ای صحنه می‌گذارد:

به هر حال، هرگاه اوضاع به خشونت می‌گرایید - مثل روز 8 سپتامبر در میدان ژاله (17 شهریور، جمعه سپاه) و به‌خصوص پس از استقرار دولت نظامی در 6 نوامبر - و مخالفان تا احتمال عکس‌العمل تهدیدآمیز ارتش را درمی‌یافتند، از رویاروی پس می‌کشیدند (استمپل، 1377: 193).

وی (قبل از وقوع 17 شهریور درباره این حادثه) می‌گوید: «مخالفان هنگامی که دریافتند ارتش و پلیس هنوز اجازه تیراندازی به‌قصد کشتن ندارد، اعتصابات عمومی فلج‌کننده و تظاهرات خشنی را ایجاد کردند» (همان‌جا).

ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش و ... _____ ابراهیم صالح آبادی

برای آزمون ادعای فرضیه می‌توان مؤیدات آن را از مذاکرات و صورت‌جلسه‌های میان فرمان‌دهان ارتش، شورای امنیت ملی و نخست‌وزیری استخراج کرد که در ادامه به آن می‌پردازیم:

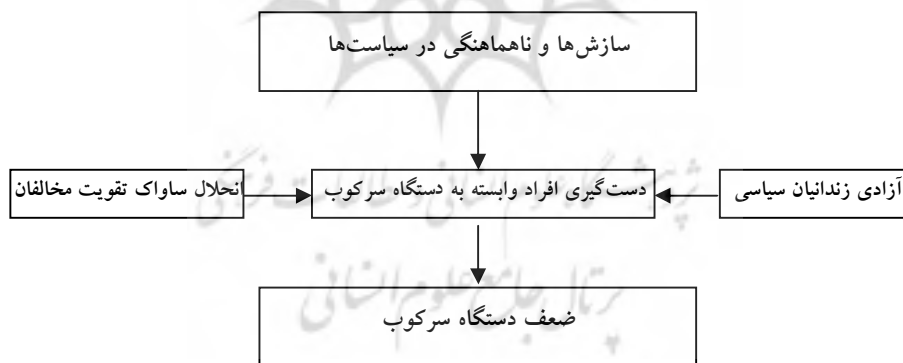
نخست‌وزیر (شریف امامی): «وقتی می‌گوییم خشونت نکنید، وقتی اطمینان می‌کنند درمقابل سستی خواهد شد، درمقابل جری‌تر می‌شوند بالاخره کار به جایی می‌رسد که قابل جمع کردن نیست» (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1376 ب: 31-32).

رئیس شهرداری (صمدیان‌پور): «شاید این مماشات و مراعات بیشتر این‌ها را جری کرده و ما را هم ضعیف» (همان، 49).

رئیس ساواک (مقدم):

[ما] می‌باید وارد عمل بشویم. به آن ترتیبی که هر کس نفس دارد؛ نفسش را ببریم، یعنی تمام کمونیست‌ها را بکشیم، تمام روزنامه‌ها را منفجر کنیم. تمام آخوندها را دست‌گیر کنیم. برای اینکه [دست‌گیری] یکی یا دو تا درد را بدتر می‌کند؛ کما اینکه بدتر کرد. بنابراین نیم‌بند کار کردن هم [فایده‌ای ندارد] (مثل برف آب خواهیم شد، 1366: 229).

با توجه به این توضیحات، مدل تحقیق به صورت زیر ترسیم می‌شود:



براساس این مدل روشن نیست که به چه علل و مکانیسمی دستگاه سرکوب ضعیف می‌شود؛ پس باید با بیان مکانیسم‌های علی آن را بازسازی کنیم. همان‌گونه که در مباحث قبلی اشاره کردیم، سازش‌های رژیم به مواردی اشاره می‌کند که مستقیماً به ضعف دستگاه سرکوب

مرتبط است. آزادی زندانیان سیاسی به‌عنوان یکی از شاخص‌های ضعف دستگاه سرکوب، در نتیجه سازش‌های رژیم شاه ایجاد شد. زندانیان سیاسی آزاد شده به گروه‌های مخالف پیوستند و باعث تقویت نیروهای مخالف شد. علاوه بر زندانیان سیاسی رها شده، اقدامات دولت‌های چهارگانه اواخر عمر رژیم شاه مستقیماً باعث ضعف دستگاه سرکوب شد؛ از جمله این اقدامات به این شرح است: جابه‌جایی ارتشبد و سپهبد مقدم در دولت آموزگار، عزل هویدا از وزارت دربار، برکناری 33 نفر از مأموران ارشد ساواک (ثابتی و نصیری)، تنبیه افسران و سربازانی که به دانشجویان تیراندازی کرده بودند (در دولت شریف امامی)، دست‌گیری 132 سیاست‌مدار سابق، احضار داریوش همایون وزیر پیشین اطلاعات به دادسرا، تقدیم لایحه انحلال ساواک، انحلال ساواک و... که مستقیماً به ضعف دستگاه سرکوب مرتبط است.

یکی دیگر از آثار سازش‌ها و ناهماهنگی‌ها، ایجاد اختلاف در مقابله با بحران در بین فرماندهان ارتش و شورای امنیت ملی و هیئت دولت است. این نوع سیاست سازش و سرکوب موجب نوعی ضعف استراتژیک برای نیروهای سرکوبگر می‌شود؛ به‌گونه‌ای که نیروهای سرکوبگر نمی‌توانند از استراتژی مهمی در برابر مخالفان استفاده کنند. سردرگمی فرماندهان ارتش و حذف راه‌کار دست‌گیری و بازداشت مخالفان از پیامدهای چنین سیاستی است. گزارش‌های تاریخی حکایت از آن دارند که افسران ارتش در یک بحران تصمیم‌گیری قرار گرفته بودند. رژیم شاه با آزادی زندانیان سیاسی عملاً دست‌گیری انقلابیون را در مرحله بعدی متغی کرد. گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهند بعد از حوادث 17 شهریور 1357 راه‌کار و استراتژی دست‌گیری اصولاً در مذاکرات و جلسات فرماندهان نظامی مطرح نبود و در صورت طرح چنین راه‌کاری، با آن مخالفت می‌کردند.

در گزارش‌های تاریخی و روزشمار انقلاب، دست‌گیری انقلابیون در حاشیه قرار گرفت و رژیم کمتر آن‌ها را دست‌گیر⁶ می‌کرد. براساس وقایع تاریخی، دست‌گیری‌های قبل از 19 دی 1356 بسیار زیاد بود و آن را می‌توان از آزادی بی‌شمار زندانیان سیاسی استنتاج کرد. بین 19 دی 1356 تا اواخر مرداد 1357، دست‌گیری وجود داشت؛ ولی چندان گسترش نیافت. از 17 شهریور 1357 تا 22 بهمن 1357، اطلاعات عمده‌ای که بر دست‌گیری گسترده مخالفان دلالت کند، گزارش نشده است. از 17 شهریور تا 22 بهمن 1357، دست‌گیری اصولاً به‌عنوان راه‌کار مطرح نبود و به موازات نزدیک شدن به 22 بهمن 1357 از راه‌کار دست‌گیری کمتر استفاده شد.

ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش و ... _____ ابراهیم صالح آبادی

دست‌گیری‌های انجام‌پذیرفته بدون گزارش این نتیجه‌گیری را مخدوش نمی‌کند؛ زیرا مدارک دیگری نیز از حذف استراتژی دست‌گیری حکایت می‌کنند. در صورت‌جلسه و مذاکرات فرمان‌دهان شورای امنیت ملی و هیئت دولت این امر کاملاً مشهود است. در صورت‌جلسه‌ها و مذاکرات فرمان‌دهان ارتش به تاریخ 30 و 1357/5/24 گزارش‌های زیر مؤید این مطلب است. در این زمان (قبل از 17 شهریور) دست‌گیری‌ها مشکلاتی داشته است؛ با این حال متوقف نمی‌شده و در این مدت انجام می‌شده است:

سرلشکر مولوی (رئیس پلیس تهران): «از تاریخ 2537/5/3 تاکنون پلیس با تلاش پی‌گیر و مداوم با استفاده از کلیه امکانات پرسنلی و نیروهای کمکی بدون استفاده از اسلحه با اخلاک‌گران مبارزه و تاکنون بیش از 320 نفر از تظاهرکنندگان دست‌گیر و تحویل مقدمات قضایی گردیده‌اند» (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1376 ج: 32).

مقدم (رئیس ساواک):

دربارۀ توسعه اغتشاشات هرکس در هر موقعیت و منزلتی چنانچه به مقام شامخ سلطنت اهانت نمود، دست‌گیر می‌گردد و به دنبال دست‌گیری تظاهرات شدیدتری انجام می‌شود. با اراده شاهنشاه آریامهر از نظر اعلام فضای باز سیاسی و دادن آزادی به مطبوعات و جبهه ملی و سایرین از این آزادی برخوردار شده‌اند. در چنین حالتی اگر به‌طور متوسط روزی 10 نفر از آشوبگران دست‌گیر شوند، در ماه سیصد نفر بازداشت خواهند شد. حال باید محاسبه نمود که چه نیرویی صرف تحقیقات این تعداد خواهد شد (همان، 39).

در دورۀ دوم یعنی از 17 شهریور تا 22 بهمن، گزارشی دربارۀ دست‌گیری وجود ندارد. اگر دست‌گیری هم انجام شده، اهمیت چندانی نداشته است. در تاریخ 57/7/9 در مذاکرات شورای امنیت ملی مشکلات و محدودیت‌های دست‌گیری بیان شده است که به آن‌ها اشاره می‌شود:

تیمسار اویسی (فرمان‌دار نظامی تهران):

بنده گیرم که 50 نفر [را] بگیریم. ولی دیدم درست سیاست شما را بر هم می‌زند؛ یعنی شما که الآن دارید ملاحا را به روال می‌آورید [...] من این 50 ملا را خیلی ساده می‌توانم بگیرم، در خانه هرکدام بروید بیاورید باغشاه تحویل دهید و راهش را هم بلد بودم؛ ولی دیدم یک مقدار برنامه شما را به عقب می‌کشانم [...] دولتی که دم از آشتی می‌زند، دم از دوستی می‌زند. من می‌گویم این دوستی را به هم خواهیم زد، این شرط عقل و مصلحت نیست (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1376 الف: 40-41).

آزمون (وزیر مشاور امور اجرایی):

این عده [مخالفان در رسانه‌ها] را بگذارید کنار، نمی‌خواهیم دست‌گیرشان کنند، بیرونشان کنند [...] نخست‌وزیر (شریف امامی) یکی‌شان را بردارید. همه اعتصاب می‌کنند و روزنامه را تعطیل می‌کنند. این‌ها مشکلاتی است که مواجه هستیم. والا می‌خواستم این کار را بکنم، به بنده گفتند این سه نفر را اگر بگیرید، تمام سندیکا روزنامه را تعطیل می‌کند (همان، 48).

هدف شورای امنیت ملی که در تاریخ 57/7/9 تشکیل شد، این بود که راه‌کاری انتخاب کند که هنگام ورود امام خمینی به ایران مؤثر باشد. بعد از گفت‌وگوهای زیاد به این نتیجه رسید که در صورت ورود امام در تاریخ 57/7/9، ایشان را دست‌گیر کنند؛ ولی اگر نیامد، در بلندمدت فکری اساسی کنند. البته، تصمیم به دست‌گیری امام بعد از جرح و تعدیل نظریات مقامات به دست آمد؛ ولی این استراتژی را چندان مفید نمی‌دانستند. در ادامه، پاره‌ای از این گفت‌وگوها می‌آید:

[معلوم نیست چه کسی صحبت می‌کند:] بنده [...] با نظر آزمون [وزیر مشاور امور اجرایی] موافق نیستم و با نظر تیمسار اویسی موافق هستم. نظر تیمسار اویسی با نظر بنده فرقی نداشت. برای اینکه ایشان فرمودند، اگر الان آمد بگیریمش که بنده این را اول گفتم و بعد هم گفتند. اگر نیامد برویم دنبالش حل کنیم (همان، 71-72).

در سایر مذاکرات و صورت‌جلسات که در تاریخ‌های 57/9/13، 57/10/25، 57/11/3 و 57/11/9 تشکیل شد، به دست‌گیری افراد اشاره‌ای نشده؛ ولی مشکلات زیادی در این باره مطرح شده است. بعد از تحلیل مباحث این جلسات می‌توان چنین نتیجه گرفت که این مذاکرات برای یافتن راه‌حل سیاسی حل بحران موجود تشکیل شده است، نه راه‌حل‌ها و راه‌کارهای نظامی. در ادامه، شماری از گزارش‌ها و گفت‌وگوها را می‌آوریم:

مقدم:

بگذارید از بالاتر بگویم، عرض کنم که کراراً در تهران ما می‌خواستیم کسانی را که خیانت می‌کنند و کسانی را که بر علیه رژیم، بر علیه مقدسات ما عمل می‌کنند، دست‌گیر نماییم. فرمان‌دار دست ما را بست و حتی ابلاغ کردند به وزارت کشور که هیچ‌کسی را دست‌گیر نکنید [...] گفتند [هیچ‌کس را در هیچ استانی نگیرید، مگر اینکه شورای امنیت استان تصویب کند (مثل برف آب خواهیم شد، 1366: 171)].

مقدم: [ریاست قبلی شهربانی که اویسی بوده است]

ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش و ... _____ ابراهیم صالح آبادی

در روزهای اول، هرچقدر که ما خواستیم وظایفمان را انجام دهیم و خواستیم کمک بگیریم که این دستگاه‌هایی که حافظ و سپر امنیت مملکت هستند، وظیفه خود را انجام دهند، دست و پای ما را بستند. روز آخر که می‌خواستند بروند، به من فرمودند که حالا بروید 5 هزار نفر را دست‌گیر کنید. اگر روز اول ماه 10 نفر را دست‌گیر می‌کردیم. به اینجا نمی‌رسید. حالا فایده‌ای ندارد (همان‌جا).

از تجزیه و تحلیل مذاکرات و وقایع عینی استنتاج می‌شود که دستگاه سرکوب در اواخر دوره پهلوی (سه دولت اخیر) از راه‌کارهای دست‌گیری استفاده نکرد و اصولاً این راه‌حل برای آن‌ها مطرح نبود.

علاوه‌بر متغیر نام‌برده (عدم دست‌گیری)، سازش‌های بی‌موقع دولت‌های اخیر یک نوع سردرگمی و بلا تکلیفی در بین افسران ارشد، مقامات ارتش و فرمان‌داری‌های شهرستان‌ها ایجاد کرد. براساس تجزیه و تحلیل مذاکرات، فرمان‌دهان در تصمیم‌گیری خود دچار نوعی دوگانگی شده بودند. استمپل گزارش می‌دهد که شریف امامی خواستار تنبیه افسران و سربازانی شد که در این روی‌داد (تیراندازی به دانشجویان) دست داشتند. برای ارتش که بیش از معمول کار می‌کرد و از طرف دولت کمتر قدردانی می‌شد، این «آخرین ترانه» بود. افسران ارشد ارتش بدون اینکه علت امر برای نخست‌وزیر روشن باشد، نیروهای خود را از صحنه خارج کردند و به آن‌ها دستور دادند که به هر دلیلی بیش از این در تظاهرات دخالت نکنند (استمپل، 1377: 176).

افسران ارشد و مقامات ارتش در همه حالت احساس می‌کردند که تحت فرامین و محدودیت‌های متناقض قرار دارند. فرمان‌دهان نظامی بین خود بحث و گفت‌وگو داشتند که آیا خودسرانه دستور شاه را لغو کنند و به سربازان فرمان تیراندازی به سوی مردم بدهند یا نه (همان، 171).

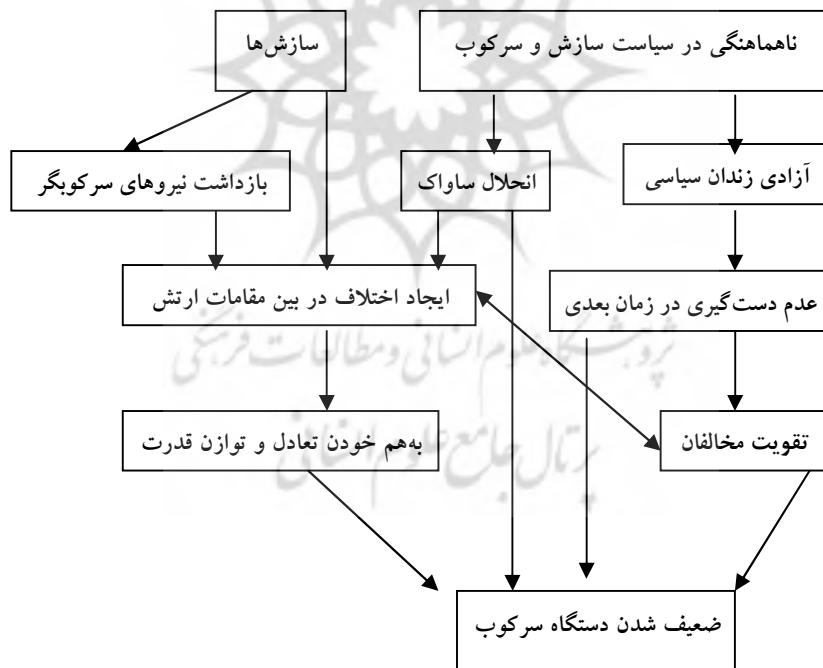
ارتشبد قره‌باغی نیز در کتاب خویش از چنین فرمان‌های متناقضی که از فرمان‌دار نظامی تهران (اویسی) به فرمان‌دهان دیگر می‌رسید، سخن می‌گوید:

نام‌برده (اویسی) علاوه‌بر امور فرمان‌داری نظامی تهران و حومه عملاً در کارهای مربوط به فرمان‌داری‌های نظامی سایر شهرستان‌ها نیز دخالت نموده و دستورات ضد و نقیضی می‌داد. مأموران فرمان‌داری‌های نظامی در شهرستان‌ها هم مانند تهران به‌جای دست‌گیری و بازداشت کردن محکومان و متخلفان در تظاهرات یک روز مبادرت به تیراندازی می‌نمودند که سبب

کشته یا زخمی شدن عده‌ای می‌گردید و روز دیگر در کنار خیابان‌ها تماشاچی بودند (قره‌باغی، 1365: 22).

در بین فرمان‌دهان نظامی و مقامات ارشد ارتش نیز اختلاف نظر وجود داشت. آن‌ها از یک سو به عدم خونریزی و حمایت از نخست‌وزیر تمایل داشتند و از سوی دیگر به کشتار و خونریزی و دست‌گیری مخالفان؛ در یک سر طیف قره‌باغی و شریف امامی قرار داشتند و در طرف دیگر افرادی از قبیل اویسی و محقق (البته این بدان معنا نیست که شخصی مانند عباس قره‌باغی به عدم خونریزی گرایش دارد؛ بلکه حاکی از آن است که وی در اواخر دوره پهلوی چنین گرایشی پیدا کرده است).

در زیر مدل بازسازی شده با تفسیر بیشتر ارائه می‌شود. این مدل نشان می‌دهد که ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش چه آثار مخربی بر ضعف دستگاه سرکوب دارد.



7. بحث و نتیجه

به کارگیری دوره‌ای از سرکوب قاطعانه و متعاقب آن نرمش و کاستن از شدت سرکوب، به خودی خود موجب تضعیف دستگاه سرکوب نمی‌شود. این سیاست یکی از راه‌بردهای مقابله با مخالفان است. پس از هفدهم شهریور 1357، به سربازان دستور داده شده بود که از تیراندازی به مردم خودداری کرده، به جای آن از روش‌های دیگری برای مقابله با تظاهرات استفاده کنند. انقلابیون که در آغاز از حکومت نظامی واهمه داشتند، پس از آنکه متوجه شدند سربازان از شلیک مستقیم به طرف تظاهرکنندگان خودداری می‌کنند و شرکت در تظاهرات خطر جانی ندارد، جسورتر شدند. با تکیه بر همین بی‌توجهی و انفعال سربازان در خیابان‌ها بود که مخالفان به تاکتیک تازه‌ای برای جلب محبت و دوستی سربازان دست زدند؛ این در حالی است که بی‌اعتنایی در هر شرایطی به تقویت مخالفان و انقلابیون منجر نمی‌شود.

سیاست سازش رژیم که در قالب آزادی زندانیان سیاسی و تویخ نیروهای سرکوبگر نمود پیدا کرد، از یک سو موجب تقویت اپوزیسیون به واسطه آزادی زندانیان سیاسی شد و از سوی دیگر موجب بازداشت نیروهای سرکوبگر. فضای باز ایجادشده در اواخر عمر رژیم شاه موجب ایجاد و تقویت نتایج پیش‌گفته شد. دستگاه سرکوب تحت فشار عوامل یادشده دچار سردرگمی شد و نتوانست با بحران موجود به صورت سرکوب‌گرانه مقابله کند. شواهد نشان می‌دهد تبیین‌کننده مورد نظر ما، سیاست‌های ناهماهنگ رژیم، قسمتی از ضعف دستگاه سرکوب را تبیین می‌کند. قدرت تبیین این تبیین‌کننده محدود است و نمی‌تواند برخی وجوه ضعف دستگاه سرکوب را تبیین کند.

این موارد که شاخص‌های دیگری برای تضعیف دستگاه سرکوب است، به وسیله ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش تبیین‌پذیر نیست؛ فرار سربازان، تمرد فرمان‌دهان و نیروها از دستورات مافوق، نبود آموزش کافی در میان نیروها، کمبود وسایل ضداغتشاش، اعلان بی‌طرفی ارتش، عدم شناخت کافی از مخالفان و پیوستن دستگاه سرکوب به مخالفان (اعلام هم‌بستگی‌ها). این موارد به کمک عوامل دیگر تبیین‌شدنی‌اند (صالح آبادی، 1390؛ حاضری و صالح آبادی، 1383).

پی‌نوشت‌ها

1. در تبیین پیروزی انقلاب اسلامی به این بحث (تأثیر ناهماهنگی در سرکوب و سازش بر ضعف دستگاه سرکوب) کمتر توجه شده است. سینایی (1384) در کتاب خود که درباره ارتش شاهنشاهی نوشته، این بحث را مطرح نکرده است.
2. برخی این عامل (ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش) را به ناامیدی او و فرار شاه تقلیل داده‌اند؛ از قبیل گری سیک، سولیوان، امینی، زونیس، هویدا، پارسونز، همایون و قره‌باغی (فاسمی، 1387: 276-278).
3. کورزمن (2004) اکثر تبیین‌های موجود در زمینه انقلاب اسلامی از قبیل تبیین‌های سیاسی، سازمانی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی را رد می‌کند. پاسخ وی به تبیین‌های نظامی (در ارتباط با موضوع مقاله فعلی) دربرگیرنده دو نکته است: نکته نخست به تمایز میان اراده سرکوب و توانایی سرکوب معطوف است. رژیم پهلوی می‌توانست، ولی نمی‌خواست سرکوب کند؛ به همین دلیل نمی‌توان ناتوانی سرکوب را عامل اصلی انقلاب به‌شمار آورد. نکته دوم این است که شواهد فراوانی دال بر فعال بودن دستگاه سرکوب وجود دارد. این‌گونه تبیین‌های نظامی با داده‌های حاکی از سرکوب‌های گسترده‌ای مانند دست‌گیری، ضرب و شتم، تیراندازی و تهدید چندان سازگار نیست. شاه سرکوب کرد؛ هرچند می‌توانست شدیدتر سرکوب کند (گل محمدی، 1384: 76).
4. narrative explanation
5. در فرایند انقلابی، بین وظایف، نقش‌ها و اجزای دستگاه سرکوب مانند ارتش، پلیس، گارد شاهنشاهی و... تداخل مسئولیت ایجاد می‌شود. به عبارت بهتر، بین اجزای دستگاه سرکوب، در برخورد با انقلابیون موازی‌کاری یا اهمال رخ می‌دهد.
6. راه‌کار رژیم در مبارزه با مخالفان بیشتر کشتار بود (برای اطلاع بیشتر رجوع کنید به: حاضری و صالح‌آبادی، 1383).

منابع

- آبراهامیان، یرواند (1378). *ایران بین دو انقلاب*. مترجمان حسن شمس‌آوری و محسن مدیرشانه‌چی. چ 2. تهران: نشر مرکز.

- ناهماهنگی در سیاست سرکوب و سازش و ... _____ ابراهیم صالح آبادی
- استمپل، جان دی. (1377). *درون انقلاب ایران*. ترجمه منوچهر شجاعی. تهران: نشر نگارش.
 - اسکاچپول، تدا (1379). «حکومت تحصیل‌دار و اسلام شیعه در انقلاب ایران» در *مجموعه مقالات رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی*. تدوین عبدالوهاب فراتی. چ 4. قم: معارف.
 - بریتون، کرین (1370). *کالبدشکافی چهار انقلاب*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر نو.
 - تیلی، چارلز (1383). *انقلاب‌های اروپایی*. ترجمه بهاء‌الدین بازرگانی گیلانی. تهران: کویر.
 - جانسون، چالمرز (1363). *تحول انقلابی*. ترجمه حمید الیاسی. تهران: امیرکبیر.
 - حاضری، علی محمد و ابراهیم صالح آبادی (1383). «ساختار دستگاه سرکوب و فروپاشی رژیم شاه». *مجله جامعه‌شناسی ایران*. ش 19. صص 27-50.
 - رفیع‌پور، فرامرز (1376). *توسعه و تضاد، کوششی در جهت تحلیل انقلاب اسلامی و مسائل اجتماعی ایران*. تهران: انتشارات دانشگاه شهیدبهشتی.
 - سلین، اریک (1382). «انقلاب در جهان واقعی» در *نظریه پردازی انقلاب‌ها*. جان فوران. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: کویر.
 - سینایی، وحید (1384). *دولت مطلقه، نظامیان و سیاست در ایران*. تهران: کویر.
 - صالح آبادی، ابراهیم (1390). «تأثیر ماهیت انقلابیان بر ضعف دستگاه سرکوب رژیم شاه». *مجله مطالعات انقلاب اسلامی*. س 8. ش 24. صص 273-302.
 - فوران، جان (1378). *مقاومت شکننده*. ترجمه احمد تدین. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
 - فوران، جان و جف گودوین (1385). «دیکتاتوری یا دموکراسی: پیامدهای انقلاب در ایران و نیکاراگوئه» در *مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب‌ها*. ویراستار جک گلدستون. ترجمه محمد تقی دلفروز. تهران: کویر.
 - فی، برایان (1381). *فلسفه امروزی علوم اجتماعی*. ترجمه خشایار دیهیمی. تهران: طرح نو.
 - قاسمی، حاکم (1387). «عوامل ساختاری ناکارآمدی ارزش شاهنشاهی در جلوگیری از سقوط نظام سلطنتی». *پژوهشنامه علوم سیاسی*. س 3. ش 4 (12). صص 239-288.
 - قره‌باغی، عباس (1365). *اعترافات ژنرال عباس قره‌باغی*. تهران: نشر نی.

- گل محمدی، احمد (1384). «تبیین اقتصادی انقلاب اسلامی ایران؛ نگاهی به تحلیل چارلز کورزمن». *مجله پژوهش حقوق و سیاست*. ش 17. صص 65-86.
- گلدستون، جک (1385). «مقدمه: مطالعه تطبیقی و تاریخی درباب انقلاب‌ها» در *مطالعاتی نظری، تطبیقی و تاریخی درباب انقلاب‌ها*. ویراستار جک گلدستون. ترجمه محمدتقی دلفروز. تهران: کویر.
- لطیفیان، سعیده (1380). *ارتش و انقلاب اسلامی در ایران*. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی ایران.
- لیتل، دانیل (1373). *تبیین در علوم اجتماعی*. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران: نشر فرهنگی صراط.
- مثل برف آب خواهیم شد (مذاکرات شورای فرمان‌دهان ارتش) (1366). ج 2. تهران: نشر نی.
- مرکز اسناد انقلاب اسلامی (1376 الف). *آیا او تصمیم دارد بیاید به ایران*. تهران.
- _____ (1376 ب). *تصمیم شوم جمعه خونین*. تهران.
- _____ (1376 ج). *ما گرفتار یک جنگ واقعی روانی شدیم*. تهران.
- مشیرزاده، حمیرا (1375). «مروری بر نظریه انقلاب در علوم اجتماعی». *راهبرد*. ش 9. صص 107-156.
- موحد، ه. (1363). *دو سال آخر، رفرم تا ... انقلاب*. تهران: امیرکبیر.
- Kurzman, Ch. (1996). "Structural Opportunity and Perceived Opportunity in Social Movement Theory: Iranian Revolution of 1979". *American Sociology Review*. Vol. 6. Pp. 153-170.
- Mirfakhraei, H. (1984). *Imperial Iranian Armed Forces and the Revolution of Iran*. Microfilms. International University.
- Rasler, K. (1996). "Concession, Repression and Political Protest in Iranian Revolution". *American Sociology Review*. Vol. 61.